

تأثیر زنان بر حوزه سیاست‌ورزی در جمهوری اسلامی ایران با توجه به الگوی حکمرانی خوب

رضا پریزاد^۱ و سید محمد حسن دانش^۲

تاریخ دریافت: ۱۵ / ۰۹ / ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲۵ / ۰۹ / ۱۴۰۰

چکیده

در این مقاله به منظور بررسی تأثیر زنان بر حوزه سیاست‌ورزی در جمهوری اسلامی ایران با توجه به الگوی حکمرانی خوب ابتدا با تعریف سیاست‌ورزی و بررسی اجمالی تمامی ویژگی‌های حکمرانی خوب اما با تأکید بر پنج مولفه اصلی مورد نظر نویسنده و با مرور بر پژوهش‌های قبلی و نظریات فعلی جدید و کمی قبل تر و شناسایی برخی عوامل کلیدی مؤثر بر سیاست‌ورزی زنان و موانع آن تحلیل انجام شده و راهکارهایی جهت افزایش و یا بهبود آن ارائه خواهد شد. در این تحقیق ابتدا از روش توصیفی تحلیلی جهت مرور اطلاعات موجود بهره گرفته شده و سپس به روش تطبیقی هر کدام از مؤلفه‌های حکمرانی خوب در سیاست‌ورزی مورد تجزیه قرار خواهد گرفت و نتیجه تحقیقات در یک مقایسه کلی شکل نهایی خواهد گرفت تا چگونگی و میزان تأثیر زنان در حوزه سیاست‌ورزی استخراج گردد.

کلید واژه‌ها: سیاست‌ورزی، سیاستمدار، حکمرانی خوب، زنان، زنان و توانمندسازی، مشارکت،

پاسخگویی، پایبندی به قانون.

استناد فارسی (شیوه‌ی APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)

پریزاد، رضا؛ دانش، سید محمد حسن (۱۴۰۰). «تأثیر زنان بر حوزه سیاست‌ورزی در جمهوری اسلامی ایران با توجه به الگوی حکمرانی خوب». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال چهارم، شماره چهارم، پیاپی ۱۶، صص ۱۵۸-۱۲۹.

^۱ استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران.

ایمیل: r_parizad@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران.

ایمیل: smhassan.danesh@gmail.com

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی CCA (Creative Commons Attribution) نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با باریگری کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

مسائل زنان در جامعه در دو عرصه خانواده و جامعه تبیین می‌شود. زن به‌عنوان سنگ بنای خانواده و جامعه محسوب می‌شود حضور زنان می‌تواند در عرصه‌های مختلف علمی، تحقیقاتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی باعث ارتقاء توانمندی‌های خودشان و پیشرفت جامعه باشند. در جمهوری اسلامی ایران زنان در منزل و خارج از آن به‌عنوان عاملی تأثیرگذار مطرح هستند. یکی از تحولات مهمی که ادعا می‌شود در پرتوی انقلاب اسلامی در زنان ایران به وجود آمد، تحول روحی و فکری آنان است و از این رو گفته می‌شود پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره شاهد حضور زنان در عرصه‌های مختلف هم‌چون ۸ سال دفاع مقدس و سازندگی کشور و پیشرفت‌های علمی بوده‌ایم.

برخی معتقدند مدیریت سیاسی کشور میدانی است که هر علاقه‌مندی خواهد توانست رهبری و هدایت آن را در دست گیرد. از این جهت اداره امور سیاسی را آنقدر سبک شمرده که با اندک سوابق و تجارب کاری سکان آن را به دست هر ناآشنایی می‌سپارند.

اشخاصی در کرسی سیاست‌ورزی و حاکمیت بر اداره سیاسی جامعه در حیطه مدیریتی آن قرار گرفته یا درصدد تصدی دستگاه‌های اجرایی کشور هستند. آن دسته از ایدئولوگ‌های سیاسی احزاب و صاحبان منصب سیاسی که جرأت عهده داری چنین سمت‌هایی را بدون تحصیل دانش و کسب تخصص لازم در سر دارند آسیب‌های جدی به این حوزه وارد می‌کنند (عاشوری نیا، ۱۳۸۵: ۱۵). چون این حوزه کاملاً تخصصی است و تصور غالب این است که زنان و سیاست از هم فاصله بسیار دارند معمولاً در این حوزه بانوان جدی گرفته نمی‌شوند اما قصد این تحقیق بررسی همین تضاد در گفتار و رفتار سیاستمداران است.

در این روزهای سخت که جهان درگیر پاندمی کرونا است تعداد ۱۹ کشور توانستند با طرح و اجرای قوانین و مقررات هوشمندانه نبض کنترل این بیماری را در کشورشان در دست گیرند از این تعداد ریاست ۶ کشور بر عهده زنان قرار دارد یعنی سیاستمداران زنی که با توجه به هشت مؤلفه حکمرانی خوب شامل مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی، شکل‌گیری وفاق عمومی، عدالت، مسئولیت‌پذیری، کارایی و اثربخشی و پاسخ‌گویی توانسته‌اند کشور خود را از این بحران ایجاد شده جهانی که تمامی سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده است، بیرون بیاورند و نمونه‌ای برای سایر کشورها گردند. به‌عنوان مثال در چند وقت گذشته خبر رهایی نیوزلند از بیماری همه‌گیر کرونا و ریشه‌کنی کامل این بیماری در این کشور بازتاب داشته است این خبر توسط خانم «جسیندا آردن» نخست‌وزیر نیوزیلند اطلاع‌رسانی شده است. ما درصدد چگونگی تأثیر زنان بر حوزه سیاست‌ورزی در جمهوری اسلامی ایران با توجه به الگوی حکمرانی خوب هستیم.

۲. تعریف واژگان

۲-۱. سیاست‌ورزی

در بررسی واژه سیاست و نقطه آغازین آن درمی‌یابیم که به‌طور کلی تفکرات سیاسی به عهد پرطمطراق یونان باستان برمی‌گردد. اما علم سیاست به‌عنوان یک رشته آموزشی بنیادین در تفکرات امروزی بشر تا حدی نو است و طی یکصد سال اخیر رشد یافته و با پیدایش مکاتب سیاسی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی به اوج خود رسیده است. اگرچه امروزه بسیاری برآنند تا از سیاست تصوراتی داشته باشند لیکن واژه سیاست چندان عامیانه و قابل فهم نخواهد بود. ما در کاربرد واژه سیاست و براساس واژه رایج در آکادمی یونان از آن اصطلاح به علم سیاست خواهیم رسید؛ یعنی این واژه هم به خود «سیاست» نظر دارد و هم به رفتار و عمل سیاسی به طوری که دربرگیرنده سیاست نظری و عملی است. پایه و ریشه واژه «سیاست»^۱ از واژه یونانی «پولیس(شهر)»^۲ اتخاذ گردیده است؛ یعنی به مفهوم مصطلح دولت شهر، اما عده زیادی از واژه سیاست به‌معنای علم قدرت یا (فن اعمال قدرت) یاد کرده‌اند. از این جهت که علم سیاست نه تنها اصول و بنیادهای مربوط به سازمان‌های سیاسی و رفتار سیاسی سیاستمداران را بررسی می‌کند بلکه درصدد آن است تا فعالیت احزاب، گروه‌های سیاسی و نهادهای گوناگونی را هم که همواره به نوعی در تلاش و جست‌وجوی کسب قدرت، اعمال نفوذ در حاکمان سیاسی و یا حفظ قدرت نفوذ خود در قدرت (دولت) هستند را مورد مطالعه و کنکاش قرار دهد به دیگر سخن علم سیاسی جنبه‌های نظری و عملی پدیده‌های سیاسی را بررسی می‌نماید.

علم سیاست به تحلیل و بررسی جنبه‌های سیاسی از پدیده‌های اجتماعی و رفتار حاکمان و دولت‌مردان نظر دارد. بر این اساس مرکز ثقل بررسی علم سیاست بر محور «دولت»^۳ است. عده‌ای برآنند که علم سیاست را به «حکومت»^۴ اطلاق نمایند. گروهی دیگر به مانند پل ژانت (متفکر و محقق فرانسوی) نظر بینابینی از سیاست ارائه می‌دهد. وی می‌گوید علم سیاست در حقیقت آن بخشی از علوم اجتماعی است که درباره بنیادهای دولت (اقتدار حاکمیت) و اصول حکومت بحث و بررسی می‌کند. اما محققان و متفکرانی چون: هارولد لاسول، چارلز مریام، ماکس وبر، برتراند راسل، واتکینس و هانس مورگنتا همواره بر «سرشت پویایی سیاست» تأکید می‌ورزند. این دسته از دانشمندان معتقدند که قدرت مفهوم اساسی سیاست است و همه شاخه‌های علم سیاست را به هم پیوند می‌دهد. از طرفی دیوید ایستون بر آن است تا سیاست را به «توزیع آمرانه ارزش‌ها برای جامعه» مرتبط نماید. مولی، تعریف‌های متفاوتی از سیاست ارائه می‌دهد و می‌گوید:

1. Politics

2. Polis

3. State

4. Government

۱- سیاست؛ یعنی: هنر استفاده از امکانات موجود.

۲- سیاست؛ یعنی: حکومت بر انسان‌ها بهتر است بگویم سیاست یعنی هنر مردم‌داری.

۳- سیاست؛ یعنی: مبارزه برای کسب قدرت

۴- سیاست؛ یعنی: دانستن این که: «چه کسی می‌برد، چه می‌برد، چه موقع می‌برد، چگونه می‌برد، و چرا می‌برد؟» این تعریف هارولد لاسکی از سیاست است که بیش‌تر جنبه شعارین و عملکرد احزاب سیاسی می‌تواند داشته باشد.

۵- سیاست؛ یعنی: توزیع آمرانه ارزش‌ها

مولی با استفاده از تعابیر فوق از سیاست تعریفی مستقل از علم سیاست ارائه می‌دهد و می‌گوید:

«همه آن فعالیت‌هایی که مستقیماً یا به‌طور غیرمستقیم با کسب قدرت دولت، تحکیم قدرت

دولت و استفاده از قدرت دولت همراه است»

اما آن‌چه از مفهوم سیاست می‌توان گفت: سیاست را فن و هنر مردم‌داری باید دانست. این تعریف جنبه رفتاری سیاستمدار را مدنظر قرار می‌دهد. طبق این تعریف از سیاست هر شخصی غیر عالم سیاسی اگرچه یک کدخدای روستا باشد می‌تواند بر عرصه سیاست تکیه زند(انصاری، ۱۳۹۱: ۱۷۲-۱۵۱). اما آن‌چه از مفهوم سیاست به‌طور کلی و ساده می‌توان تعریف کرد. عبارتست از: سیاست یعنی علم قدرت (علم اعمال قدرت مشروع)، علم کسب قدرت، هنر حکومت کردن و فن مردم‌داری.

۲-۲. عرصه علم سیاست

برخلاف مفاد مطروحه در فرهنگستان علوم سیاسی و اجتماعی آمریکا در تاریخ ۲۸ و ۲۹ دسامبر ۱۹۶۵ که در آن به‌منظور بحث درباره عرصه، هدف‌ها و روش‌های علم سیاست طی کنفرانسی در فیلادلفیا و با حضور اندیشمندان صاحب‌نامی چون: دیوید ایستون، هری ایکشن، هانس مورگنتا، نورمن پالمر، و آلفردو گرازا تشکیل گردید که در آن کنفرانس، عرصه سیاست را «پویا، توضیح حال، فهم گذشته و پیشنهاددهنده» بررسی کردند. اما ما در این مقال سیاست را در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی و مدیریت بر بحران‌ها و نیز سازمان‌های جهانی جست‌وجو می‌کنیم.

بر این اساس، علم سیاست دانش و فن تصمیم‌سازی است که در آن حاکم با استفاده از متدهای اعمال قدرت و سلطه (مشروع یا غیرمشروع) تصمیماتی را بر اشخاص (جمعیت تحت سیطره) و قلمرو (سرزمین تحت حکومت) به همراه ابزار حقوقی لازم‌الاجرا می‌سازد. این تصمیم‌سازی ممکن است توسط حاکم، رئیس اداره، مدیریت شرکت برای افراد تحت مدیریت، کارکنان و کارگران باشد و ممکن است عالی‌ترین مقام‌های اجرایی و حکومتی اعم از شخص رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، وزیر یا هیأتی از وزیران، فرماندار شهری، و یا نمایندگان منتخب مردم براساس اختیاراتی که به او

تفویض گردیده است باشد، برای اداره امور جامعه انجام گیرد و یا ممکن است توسط تعدادی از سران یا نمایندگان دولت‌ها در صحنه بین‌المللی و منطقه‌ای با ایجاد سازمانی مشترک و مرکب به منظور رسیدن به هدفی مشخص و مشترک. مثلاً هماهنگی و همدستی به منظور پیشگیری یا جلوگیری و خاتمه دادن به بحران منطقه‌ای یا جنگ داخلی هم‌چنین به منظور کاهش اثرات تخریبی بر محیط زیست یا تلاش کشورها به منظور جلوگیری از سرایت بیماری مسری از کشوری به قلمرو کشور یا برقراری امنیت مشترک در مرزها و یا کمک رسانی برای آسیب دیدگان حوادث و بلایای طبیعی، مضاعفت جهانی، به منظور کاهش عقب‌ماندگی کشورهای فقیر و جلوگیری از گسترش و شدت فقر اقتصادی و فرهنگی بر کشورهای عقب‌نگه داشته شده باشد (عاشوری‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۸). بطور خلاصه سیاست‌ورزی به شیوه‌های اعمال سیاست توسط سیاستمداران اطلاق می‌شود.

۲-۳. ابزارهای سیاست‌ورزی

الف) تدبیر و هدایت جریان سیاسی: با استفاده از ابزار رهبری و اختیارات داده شده و اعمال قدرت لازم به هدایت روند بحران و جریانات سیاسی می‌پردازد. این ابزار وابستگی زیادی به تفکر و درایت دارد.

ب) مذاکره: یکی از اساسی‌ترین ابزار سیاست‌ورزی استفاده از مذاکره است که با تمسک به فن‌جدل و قواعد حقوقی طی جلسات چانه‌زنی و اتخاذ تصمیم جهت نیل به خواسته‌های مورد نظر انجام می‌گیرد. مذاکره ممکن است دو یا چند جانبه و یا همراه با واسطه‌هایی انجام گیرد.

ج) دیپلماسی: امروزه اساس روابط بین‌الملل و بین دولت‌ها حتی مدیران شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی و تجاری بر پایه اصول دیپلماسی استوار است. در این روش با ارسال نمایندگان و معرفی آنان بین دولت‌ها و شرکت‌ها و مجامع بین‌المللی به رایزنی و تبادل نظر می‌پردازند. آمادگی طرفین یا ورود اشخاص و اطراف ثالث، هماهنگی جریان‌ها و رسیدن به توافقات اولیه قبل از مذاکره نهایی از وظایف مهم دیپلماسی است. براین اساس میزان موفقیت یک قرارداد یا توافق و تفاهات در اجلاس به میزان قدرت و توانایی دیپلماسی دیپلمات‌ها بستگی دارد.

۲-۴. سیاستمدار

سیاستمدار یا سیاستگر^۱ به افرادی گفته می‌شود، که در احزاب سیاسی فعالیت می‌کنند، یا در حال فعالیت در جایگاه‌های دولتی می‌باشند. این افراد در قانون‌گذاری، تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی دخیل می‌باشند. سیاستمداران اغلب به منظور دستیابی به موقعیت‌های مدیریتی، قدرت سیاسی و جایگاه‌های دولتی، از مسیر فعالیت‌های حزبی، لابی‌گری، شرکت در انتخابات، برگزاری تجمع‌ها، کودتا و مبارزات انتخاباتی، اقدام می‌نمایند. سیاست تنها به

^۱. Politician

مراکز حکومتی از طریق دفاتر دولتی محدود نمی‌شود و دفاتر سیاسی ممکن است در شرکت‌های بزرگ و نهادهای غیردولتی نیز تشکیل شوند.

سیاستمدارها به اشخاصی اطلاق می‌شود، که به‌طور عام در حوزه سیاست و به‌طور خاص در کارهای حزبی فعال می‌باشند. جایگاه‌های سیاسی طیف گسترده‌ای از تصمیم‌گیرندگان حوزه‌های مختلف را در بر می‌گیرد و از مدیران ارشد محلی تا مدیران اجرایی یا قانون‌گذاران منطقه‌ای و مدیران دولتی را شامل می‌گردد. برخی از فرماندهان ارشد نظامی همچون کلانترها نیز بعنوان سیاستمدار شناخته می‌شوند (میرشکاری، ۱۳۹۷).

سیاستمدار کارکشته کسی است که حرف دانشمندان را می‌شنود. او می‌داند که مجموعه راه‌های ممکن و سود و زیان هر یک چیست؟ ولی در نهایت بر اساس اولویت‌های عملی راهی را که کمترین زیان و بیشترین سود را داشته باشد، انتخاب می‌کند. هر چند او مقدمات تصمیم خود را از دانشمندان می‌گیرد ولی در نهایت خودش و بر مبنای اصول سیاسی باید انتخاب کند و یکی از راه‌های ممکن را برگزیند و طبعاً منافعی را از دست می‌دهد و برخی هزینه‌ها را می‌پذیرد تا در پایان راهی که کمترین هزینه و بیشترین منفعت را دارد، انتخاب کند. علاوه بر صفات اختصاصی، یک سیاستمدار باید دارای ویژگی‌های عمومی زیر باشد:

التزام به عدالت و درستکاری، کرامات اخلاقی و عزت نفسانی، دارا بودن جرأت و جسارت لازم، شهره صداقت در گفتار و رفتار باشد، از اشخاص سخن‌چین و تفرقه‌افکن و متملق دوری کند، مسئولیت‌پذیر باشد نه ریاست‌طلب، عامل به قول و وعده خویش و مردم‌دار باشد، دوستدار علم و دانش باشد.

۲-۵. حکمرانی خوب

حکمرانی خوب یا حکمرانی مطلوب، در سه دهه اخیر به شدت مورد توجه محققان علوم اجتماعی بوده‌است. علی اکبر مختاری (۱۳۸۹) در گزارشی به بررسی اثرات حاکمیت نامطلوب بر تأخیر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه پرداخته‌است. در این گزارش، که ناشی از نگرانی‌های مربوط به رابطه توسعه، دموکراسی و موضوعات متنوع اجتماعی می‌باشد، مفهوم حکمرانی خوب مطرح گردیده‌است. نتایج گزارش بر این موضوع استوار است که ضعف در به‌کارگیری و عملی نمودن اصول حکمرانی خوب، یکی از مهم‌ترین موانع رشد و توسعه در کشورها می‌باشد. مهم‌ترین وظایف دولت در قبال جامعه بر سه دسته کلی تقسیم می‌شود:

الف) روابط توسعه‌ای؛ به این معنی که دولت‌ها با مدیریت اقتصاد به‌منظور نیل به حداکثر رشد اقتصادی، قادر به ایجاد تغییرات بنیادین در زمینه‌های مختلف هستند.

ب) روابط دموکراتیک و حقوق شهروندی.

ج) حقوق اجتماعی و فراهم نمودن زمینه مشارکت در امور مربوط به اداره کشور (مختاری، ۱۳۸۹).

بر طبق جدیدترین تعریف بانک جهانی، حکمرانی خوب، در اتخاذ سیاست‌های پیش‌بینی شده، آشکار و صریح دولت (که نشان‌دهنده شفافیت فعالیت‌های دولت است) بوروکراسی شفاف، پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی در قبال فعالیت‌های خود، مشارکت فعال مردم در امور اجتماعی و سیاسی و نیز برابری همه افراد در برابر قانون تیلور می‌یابد. به‌طور کلی می‌توان گفت که حکمرانی خوب، تمرین مدیریت (سیاسی، اقتصادی، اجرایی و...) منابع یک کشور، برای رسیدن به اهداف تعیین شده می‌باشد. این تمرین دربرگیرنده راهکارها و نهادهایی است که افراد و گروه‌های اجتماعی از طریق آن، توانایی دنبال کردن علایق و حقوق قانونی خود را با توجه به محدودیت‌ها داشته باشند (قاسمی، یعقوبی، عبدالعلی و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۰۱-۵۷۳).

۳. مبانی نظری

شکل‌گیری هر نوع رفتاری نیازمند کسب شناخت و یادگیری در مورد آن است؛ ولی هر یادگیری، الزاماً منجر به بروز رفتار نخواهد شد. پارسونز در بحث اجتماعی شدن افراد می‌گوید انسان در بخش ارگانیک سه گرایش خام دارد. گرایش ادراکی که ناظر به شناخت است، گرایش ارزیابی که به خوب و بد ارزش‌ها می‌رسد و گرایش هنجاری که باید‌ها و نبایدها را تعیین می‌کند. وقتی ارگانیک با فرهنگ برخورد می‌کند، این گرایش‌های خام شکل می‌گیرد و نظام شخصیتی را بوجود می‌آورد و از این به بعد، نظام شخصیتی، فرد را به سوی هدف می‌راند و موجب کنش اجتماعی می‌شود. از برآیند کنش‌های اجتماعی، نظام اجتماعی شکل می‌گیرد که بیانگر یگانگی، وفاق، مشارکت حقیقی افراد با هم و اعتماد آنها به یکدیگر است و فرد در این سیستم اجتماعی می‌شود (عبداللهی، ۱۳۸۳).

فرهنگ از طریق جامعه‌پذیری به عاملان انتقال می‌یابد و توسط آنها درونی می‌شود و این عامل مهمی در انگیزش رفتار اجتماعی آنان به حساب می‌آید. این کارکرد عمدتاً در خانواده و در نظام آموزشی متمرکز می‌شود. هر چند رسانه‌های گروهی، سندیکاها و احزاب سیاسی نیز کارکرد و نقش آموزشی دارند. (توسلی، ۱۳۶۹: ۲۵۰) رابطه بین طبقه و مشارکت یکی از محکم‌ترین فرضیه‌های جامعه‌شناسی سیاسی است که با داده‌های تجربی فراوانی تأیید می‌شود. در واقع، اهمیت طبقه به عنوان تعیین‌کننده همه اشکال رفتارهای سیاسی از سوی همه جامعه‌شناسان سیاسی و دانشمندان سیاسی، با هر دیدگاه نظری پذیرفته شده است. به روشنی می‌توان گفت:

«هر چه طبقه اجتماعی فردی بالاتر باشد، دایره، شدت و اهمیت مشارکت سیاسی وی بیش-

تر است» (مارگر، ۱۹۸۱: ۲۷۲).

۴. اصول حکمرانی خوب

اگر چه در برخی از متون، حکمرانی خوب^۱ به معنی دولت خوب^۲ نیز تعریف شده است، اما نمی‌توان این دو مفهوم را مترادف دانست، زیرا همه نهادهای جامعه در قوه مجریه خلاصه نشده و سایر نهادها نیز در روند اداره یک کشور به اندازه خود سهیم می‌باشند. اما در میان بسیاری از اندیشمندان این اتفاق نظر وجود دارد که وجود دولت خوب، شرط لازم برای حکمرانی خوب است. «کمیسیون اقتصادی، اجتماعی آسیا و اقیانوس آرام»^۳ اصول مهم حکمرانی خوب و عوامل مؤثر در تقویت این اصول را این‌گونه تبیین نموده است (میدری، ۱۳۸۳).

۴-۱. مشارکت

میزان مشارکت مردم در امور جامعه یکی از کلیدی‌ترین پایه‌های حکمرانی خوب به‌شمار می‌رود. مشارکت می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم (از طریق نهادهای قانونی) صورت گیرد. البته نمی‌توان انتظار داشت که در نظام تصمیم‌گیری یک کشور، تمامی نظرات موجود مد نظر قرار گیرد، بلکه مفهوم مشارکت در اینجا، اشاره به آزادی بیان و تنوع دیدگاه‌ها و سازماندهی یک جامعه مدنی دارد.

۴-۲. حاکمیت قانون

حکمرانی خوب نیازمند چارچوب عادلانه‌ای از قوانین است که در بر گیرنده حمایت کامل از حقوق افراد (بویژه اقلیت‌ها) در جامعه بوده و به صورت شایسته‌ای اجرا گردد. لازم است ذکر شود که اجرای عادلانه قوانین، مستلزم وجود نظام قضایی مستقل و یک بازوی اجرایی (پلیس) فساد ناپذیر برای این نظام می‌باشد.

۴-۳. شفافیت

شفافیت، به معنی جریان آزاد اطلاعات و قابلیت دسترسی سهل و آسان به آن برای همه است. همچنین شفافیت را می‌توان آگاهی افراد جامعه از چگونگی اتخاذ و اجرای تصمیمات نیز دانست. در چنین شرایطی، رسانه‌های گروهی به راحتی قادر به تجزیه و تحلیل و نقد سیاست‌های اتخاذ شده در نظام تصمیم‌گیری و اجرایی کشور خواهند بود.

1. Good Governance

2. Good Government

3. ESCAP

۴-۴. پاسخ‌گویی

پاسخ‌گویی نهادها، سازمان‌ها و مؤسسات در چارچوب قانونی و زمانی مشخص در برابر اعضاء خود و ارباب رجوع، از جمله عواملی است که به استوار شدن پایه‌های حکمرانی خوب در یک جامعه منجر می‌شود.

۴-۵. شکل‌گیری وفاق عمومی

همانگونه که بیان گردید، فراهم نمودن زمینه ظهور نظرات متفاوت در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، از جمله اصول حکمرانی خوب می‌باشد. حکمران خوب، باید نظرات مختلف را در قالب وفاق ملی عمومی به سمتی رهنمون گردد که بیشترین همگرایی را با اهداف کل جامعه داشته باشد. ایفای این نقش حیاتی نیازمند شناخت دقیق نیازهای بلندمدت جامعه در مسیر حرکت به سمت توسعه پایدار می‌باشد.

۴-۶. حقوق مساوی (عدالت)

رفاه و آرامش پایدار در جامعه، با به رسمیت شناختن حقوق مساوی برای تمامی افراد ممکن خواهد بود. در جامعه باید این اطمینان وجود داشته باشد که افراد، به تناسب فعالیت خود در منافع جامعه سهیم خواهند بود. به عبارت دیگر در حکمرانی خوب، همه افراد باید از فرصت‌های برابر برخوردار باشند.

۴-۷. اثر بخشی و کارایی

از حکمرانی خوب به عنوان ابزاری برای تنظیم فعالیت نهادها در راستای استفاده کارا از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست نیز یاد می‌شود. کارایی و اثر بخشی در مقوله حکمرانی از جمله مباحثی است که با گذشت زمان، اهمیت بیش‌تری پیدا نموده‌است.

۴-۸. مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری را می‌توان یکی از کلیدی‌ترین مولفه‌های حکمرانی خوب به‌شمار آورد. درکنار مؤسسات و نهادهای حکومتی، سازمان‌ها خصوصی و نهادهای مدنی فعال در جامعه نیز باید در قبال سیاست‌ها و اقدامات خود پاسخگو باشند. باید عنوان نمود که اصول حکمرانی خوب به‌صورت زنجیرای متصل به هم بوده و اجرایی شدن هر کدام از آنها، مستلزم اجرای سایر اصول می‌باشد. برای مثال نمی‌توان انتظار داشت که مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی بدون وجود شفافیت و حاکمیت قانون جنبه اجرایی چندانی در جامعه داشته باشد (قاسمی، یعقوبی، عبدالعلی و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۰۱-۵۷۳).

۵. انواع بحران‌های سیاسی و نقش زنان در آن

نتایج تحقیقات پزشکی نشان می‌دهد که کروناویروس جدید به مردان نسبت به زنان آسیب بیشتری می‌رساند و بر اساس بررسی‌های انجام‌شده بر روی نزدیک ۴۵ هزار مورد در چین، میزان مرگ‌ومیر مردان ۲٫۸ درصد و میزان مرگ‌ومیر در زنان ۱٫۷ درصد است. در واقع میزان عفونت مردان با این ویروس ۵۱ درصد اعلام‌شده است. اما به نظر می‌رسد با شیوع این ویروس زنان بیش از مردان تحت تأثیر آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی قرار گرفتند. لورا عداتی، متخصص سیاستگذاری در مورد زنان و توانمندسازی اقتصادی در سازمان بین‌المللی کار، اظهار کرد: تعداد زیادی از پرستاران، کارکنان پرواز، معلمان و کارگران سرویس‌های صنعتی را زنان تشکیل می‌دهند و چنین مشاغل آنان را در خط مقدم این شیوع در خارج از خانه قرار داده است. در منزل نیز زنان با مشکلات مراقبت از کودکان روبرو شدند و تعطیلی مدارس، محدودیت‌های سفر و افزایش خطرات این بیماری با افزایش سن، کار زنان را بیش از مردان افزایش داده است. (قاسمی، یعقوبی، عبدالعلی و دیگران، ۱۳۹۸: ۵۷۳-۶۰۱) امروزه کم‌تر کشوری را می‌توان یافت که گرفتار بحران‌های اجتماعی، سیاسی، امنیتی و نظامی و ... نشود. کشور جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست پس نیاز دارد که بتواند در مواقعی که بکارگیری مردان در مدیریت‌های حساس‌تر نیاز می‌شود از حضور مدیریتی زنان در مدیریت بحران‌های سیاسی اجتماعی استفاده نماید. آمادگی بالای مشارکت زنان در کنش‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و امنیتی و میزان رغبت زیاد آنان برای مداخله در ابعاد مختلف بحران‌های اجتماعی، سیاسی و امنیتی این مهم را لازم می‌نماید. اندیشمندان سیاسی انواع بحران را به پنج نوع تقسیم کرده‌اند که عبارتند از:

بحران هویت: عبارت است از اعراض از هویت ملی و فرهنگ سرزمینی که در آن ملتی به دلیل پذیرش حاکمیت فرهنگی و نفوذ فرهنگ بیگانه هویت یعنی اصالت فرهنگی خود را از دست بدهد. بحران مشروعیت: وقتی است که از نحوه کاربرد اقتدار، نوع ایدئولوژی اتخاذ شده در هیئت حاکمه و در نتیجه حقانیت در حاکمیت و اقتدار قانونی نظام در معرض سؤال و نارضایتی عمومی قرار گیرد و نظام سیاسی مقبولیت سیاسی خود را از دست بدهد.

بحران مشارکت: عدم تمایل عمومی نسبت به همراهی با خواسته مسئولان نظام حکومتی

بحران رسوخ‌پذیری: بحران فرهنگی است که هنجارهای ارزشی ملتی در معرض آسیب قرار گیرد.

بحران توزیع: این بحران از محرومیت اقشاری از جامعه تحت قلمرو حکومت و شکاف اجتماعی ایجاد می‌شود.

تحقیقات نشانگر این است که در کشورهای مختلفی که شاهد بحرانها بوده ایم، زنان در دوران بهبودی و بازسازی نقش‌های مهمی بازی کرده اند ولی نقش آنها معمولاً نادیده گرفته شده و به اندازی کافی شناخته، قدردانی و تقویت نشده است. زنان علاوه بر نیازهای خاصی که در هنگام وقوع بحرانها دارند که باید برطرف شوند، دارای دانش و توان و مهارت‌هایی هستند که اگر درست شناخته شود و فرصت و امکانات لازم و مناسب در اختیارشان قرار بگیرد ضمن تقویت توانمندی‌های خود می‌توانند منابع انسانی مفیدی برای ارائه خدمات اجتماعی به جامعه خود در دوران بهبودی و بازسازی باشند در دوران بهبودی و بازسازی در بحران‌های کشورهای مختلفی شامل ازبکستان، گواتمالا، هائیتی، بنگلادش، پاکستان و ایران توصیه‌ها و نکاتی توسط بانک جهانی تهیه شده و در اختیار پژوهشگران قرار گرفت که لازم است در مورد زنان در نظر گرفته شود که به اختصار در پنج دسته دارایی، اشتغال، شبکه اجتماعی، تقسیم کار، و رهبری بیان شده‌اند.

بازگشت دارایی و کمک مالی هر چه طول زمان نیاز شدید مالی طولانی‌تر شود مشکلات جدیدی به مشکلات قدیم اضافه شده به پیچیدگی آنها اضافه می‌کند. در این میان مهم است که در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی زنان نیز به‌عنوان دریافت‌کننده کمک‌های مالی در نظر گرفته شوند و زیر سایه مردان خانواده نادیده گرفته نشوند.

احیاء امکانات اشتغال نکته دیگری که باید در دوران پس از بحران به آن توجه شود این است که بسیاری از زنان قبل از حادثه خود شغل و درآمد مستقل داشته‌اند. لازم است خسارات وارده به زنان در نظر گرفته شده و برای بازگرداندن امکانات شغلی و درآمد زنان تدبیری اندیشیده شود.

تقویت شبکه‌های اجتماعی تحقیقات نشان می‌دهد که تقویت شبکه‌های اجتماعی در دوران بهبودی و بازسازی بسیار مهم است. زنان معمولاً به شبکه‌های محلی و فامیلی دسترسی دارند و در آن فعال هستند. برای بهینه‌سازی‌ها بهتر است شبکه‌های غیر رسمی بومی زنان شناخته و بازسازی شده و به کار گرفته شود. این شبکه‌ها در مراحل مختلف دوران بهبودی و بازسازی از مرحله نیازسنجی گرفته تا اطلاع رسانی و توزیع می‌تواند نقش تسهیلگر موثری داشته باشند.

تقسیم کار غیر کلیشه‌ای در دوران بهبودی و بازسازی امکان این اشتباه وجود دارد که تقسیم بندی کلیشه‌ای کار بین زن و مرد تشویق و ترویج و حتی تحمیل شود. تقسیم‌کار به کار زنان در درون خانه و کار مردان در بیرون از خانه اغلب تقسیم‌بندی درستی نیست. یافته‌ها نشان می‌دهد که در دوران بعد از فاجعه‌های طبیعی کار خانگی و مراقبت از کودکان و سالمندان و بیماران به شدت زیاد و در عین حال امکانات و وسایل لازم برای انجام امور خانگی و مراقبتی کم و دشوار می‌شود.

پر کردن وقت زنان و صرف تمام انرژی آن‌ها برای رسیدگی به امور خانه‌داری و مراقبتی و از این دست مانع مشارکت آن‌ها در امور اجتماعی می‌شود. این نه به نفع آنان است و نه به نفع جامعه (حسینی، ۱۳۹۸).

۶. اهداف رفتار سیاسی و جایگاه زنان در رفتارشناسی سیاسی جامعه

شایسته است در گزینش و انتخاب مدیران جامعه و کارشناسان دستگاه‌های دولتی ضوابطی معین و ترسیم شده در ارتباط با صلاحیت‌های عمومی و اختصاصی اشخاص به لحاظ کسب مدارج علمی و دانشگاهی و تخصص آنان در انجام وظایف محوله ملاحظه گردد. تا ضمن پرهیز از تخدیر سرمایه‌های ملی و سرمایه‌گذاری دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور، از آنان استفاده مطلوب انجام پذیرد و از استهلاک سرمایه‌ها جلوگیری گردد (عاشوری‌نیا، ۱۳۹۶). در مجموع، اهداف رفتار سیاسی و جایگاه زنان در رفتارشناسی سیاسی جامعه شامل موارد زیر می‌شود:

- جلوگیری از بروز هرج و مرج همراه با ایجاد نظم و امنیت عمومی و برقراری قسط و عدل در جامعه.
- اجرای قوانین موضوعه توسط تمامی افراد جامعه هم مردان و هم زنانی که عضو یک جامعه هستند.
- برقراری روابط دیپلماسی با کشورهای متحد و سایر کشورها و سازمانهای بین‌المللی.
- هدایت جامعه به سمت خداپرستی، وفاق ملی، تعالی، سعادت پیشرفت و کمال و رشد استعدادهای بشر بدون در نظر داشتن جنسیت‌ها چه مرد باشد و چه زن.
- ایفای تعهدات انتخاباتی.

۷. سیاست‌ورزی و حکمرانی مطلوب از نگاه معصومین (علیهم السلام)

امام حسن علیه السلام در تعریف سیاست می‌فرماید: «سیاست یعنی رعایت حقوق خداوند، حقوق زندگان و حقوق مردگان». حقوق خداوند آن است که به آن چه امر فرموده اطاعت کنی و آن چه نهی کرده بپرهیزی. حقوق زندگان آن است که در مورد برادران دینی، وظایف خود را انجام دهی و در خدمتگزاری به هم کیشان، درنگ نکنی و نسبت به ولی امر تا وقتی که او نسبت به مردم اخلاص دارد، اخلاص داشته باشی و هر گاه او از راه راست منحرف شد، در برابر او فریادت را بلند کنی، اما حقوق مردگان آن است که خوبی‌های آنها را بیان کنی و از بیان گناه و لغزش‌های آن‌ها، خودداری نمایی، زیرا آن‌ها را خدایی است که به اعمال آنان رسیدگی می‌کند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت سیاستی که در راه اجرای عدالت، ادای حقوق و رعایت ارزش‌های اخلاقی به کار رود، سیاستی مثبت

و پسندیده خواهد بود و هر سیاستی که در راه ظلم و ستم و هر گونه امور باطل قرار گیرد و به عنوان ابزاری برای اهداف غیرانسانی و غیراخلاقی باشد، سیاست مذموم، ناپسند و منفی خواهد بود. بر این اساس بدیهی است که ارتباط ناگسستنی پیشوایان معصوم علیهم السلام با سیاست، به سیاست مثبت و پسندیده بازمی‌گردد.

در سیره سیاسی اهل بیت علیهم السلام رضایت و حمایت مردم از حاکم اسلامی همواره به منزله مهم‌ترین عنصر در تشکیل حکومت اسلامی شمرده می‌شود. اساس برپایی حکومت اسلامی و حاکمیت سیاسی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در مدینه باخواست و اعلام حمایت از گروه‌های مختلف مردم مدینه در قالب بیعت با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله تحقق یافت. امیرمؤمنان علیه السلام برخلاف آنکه از سوی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به عنوان جانشین بلافصل آن حضرت انتخاب شد، ولی تا ۲۵ سال به دلیل عدم همراهی و حمایت مردم، حاکمیت سیاسی را عهده دار نبود و زمانی آن حضرت به طور رسمی حاکمیت سیاسی را پذیرفت، که گروه‌های گسترده مردم با اعلام رضایت و حمایت خویش از ایشان، زمینه ایجاد و تداوم این منصب را برای او فراهم ساختند. بر این اساس مردم در تأسیس حکومت و انتخاب حاکم، دارای نقش محوری هستند مردم مکلف و موظف به انتخاب حاکمانی هستند که مورد رضایت خداوند باشد، اما چنان‌چه به هر دلیل مردم به این وظیفه دینی خود عمل نکردند، پیشوای معصوم نیز آنان را به انجام این وظیفه وادار نمی‌سازد (زارعیان و راسخ، ۱۳۹۸: ۶۸۷-۷۰۶).

این امر هرگز به معنای رضایت معصوم علیهم السلام به عملکرد مردم نیست؛ زیرا وظیفه مردم تن ندادن به حاکمیت سیاسی جور است و وظیفه‌ای دینی که در صورت عمل نکردن به آن در پیشگاه الهی خطاکار خواهند بود. نقطه آغازین و زیربنای اساسی تشکیل حاکمیت سیاسی اسلام در زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از طریق بیعت و با اعلام رضایت و حمایت مردم پدید آمد و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز پس از تشکیل پایگاه مردمی و اطمینان یافتن از آن، به سمت تشکیل حکومت اسلامی حرکت کرد. چنین رویکردی در رابطه با ائمه اطهار علیهم السلام نیز ادامه داشت.

حاکمیت سیاسی امیرمؤمنان علیه السلام و امام حسن مجتبی علیه السلام پس از انجام بیعت تحقق یافت. مردم در رسمیت بخشیدن و تحقق خارجی ولایت الهی نقش دارند و از طریق بیعت و اقبال و رضایت خویش، امکان استقرار آن را فراهم می‌آورند. در آیات متعددی از قرآن کریم افزون بر تأکید بر ولایت سیاسی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از مؤمنان خواسته می‌شود که اوامر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را اطاعت کنند و در برابر حکم خدا و رسول، اختیار و حق مخالفتی برای خویش قائل نباشند (نساء: ۶۴ و احزاب: ۳۶).

در آیه ششم سوره احزاب خداوند با صراحت، ولایت پیامبرش را نسبت به مؤمنان برتر دانسته و حکم و دستور او را در جنبه‌های حکومتی و ولایت سیاسی خویش برمی‌شمارد که مهم‌ترین آن در واقعه غدیرخم است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در این واقعه ابتدا مردم را بر این نکته هشدار داد که

ولایتش به نص الهی بر مردم ثابت است. سپس فرمود: هر که را من بر او ولایت دارم، از این پس علی نیز بر او ولایت خواهد داشت. بر همین اساس ما معتقدیم ولایت و حاکمیت سیاسی معصوم از سوی خداوند نصب شده و مشروعیت می‌یابد؛ پیشوایان معصوم با قومی مواجه بودند که به لحاظ کمیت و کیفیت مشکل اساسی داشتند، حتی افرادی که اطراف ایشان گرد آمده بودند، به‌طور معمول یارانی واقعی نبودند که حاضر باشند، دنیا و جان و مال خود را فدای اهداف عالی الهی سازند (ملک زاده، ۱۳۹۵).

تجربه حکومت پنج ساله امام علی علیه السلام و حکومت چند ماهه امام حسن مجتبی علیه السلام و هم‌چنین قیام امام حسین علیه السلام شاهدان روشنی بر این مدعی هستند. امام حسن علیه السلام بارها کوشید با پند و اندرز مردم را به اشتباه خود آگاه ساخته و راه صحیح را به آنان نشان دهد، بارها سعی کرد آنان را از عاقبت راهی که در پیش گرفته بودند برحذر دارد، امام حسن علیه السلام در واکنش به عدم اقبال مردم، دیگر اصراری بر حفظ حاکمیت سیاسی رسمی خویش نشان نداد و با تعیین شروطی، به صلح با معاویه تن داد. پس از این صلح که قیام خوارج اتفاق افتاد، معاویه برای تثبیت موقعیت خود و برای آن که وانمود کند امام مجتبی علیه السلام با او کنار آمده و پیرو اوست، به آن حضرت که راه مدینه را در پیش گرفته بود، پیام فرستاد که شورش حوثره اسدی را سرکوب کند، امام علیه السلام در پاسخ او نوشت: من برای حفظ مصلحت و جان مسلمانان دست از سر تو برداشتن و این معنا، موجب نمی‌شود که از جانب تو با دیگران بجنگم، اگر قرار به جنگ باشد، پیش از هر کس باید با تو بجنگم، چه مبارزه با تو از جنگ با خوارج لازم‌تر است.

در خصوص نهضت امام حسین علیه السلام علل و عوامل مختلفی مؤثر بوده است، خلاصه اینکه اولاً در صورت ظاهر شرایط و امکانات نسبتاً مناسبی در عصر امام حسین علیه السلام فراهم شد. معاویه از دنیا رفت و هزاران نامه و درخواست تظلم خواهانه از جانب مسلمانان خطاب به امام حسین علیه السلام و اعلام آمادگی برای پشتیبانی از آن حضرت، حجت را بر امام مسلمانان تمام ساخت. اگر در آن شرایط نهضت امام حسین علیه السلام اتفاق نمی‌افتاد، هم اینک تاریخ اسلام باید به این پرسش پاسخ می‌داد که چرا امام حسین علیه السلام با وجود آن همه اعلام حمایت گسترده از ایشان، قیام نکرد و حکومت تشکیل نداد؟ ثانیاً: قیام بر ضد یزید، مصلحتی بود که در آن شرایط حساس باید اتفاق می‌افتاد و عدم انجام آن، مصالح جامعه اسلامی را تهدید می‌کرد. قیام آن حضرت، اگرچه به پیروزی ظاهری بر یزید نینجامید، اما نتایج ارزشمندی برای اسلام و مسلمین به همراه داشت که در طول تاریخ، مسلمین و جامعه انسانی را از برکات آن بهره‌مند ساخت. امام حسن علیه السلام سه ویژگی برای سیاست‌مدار خوب نیز مطرح می‌کنند که عبارتند از: یکم در رعایت حق الله پیشگام باشد، در ادای حق مردم پیشگام باشد و نسبت به گذشتگان احساس مسئولیت داشته باشد و حقوق آنان را رعایت کند. حتی در مواردی توصیه می‌شود که در ادای حق مردم نسبت به حق الله کوشاتر باشند.

۸. دیدگاه‌های مشارکت سیاسی زنان در حکمرانی خوب

با برابری زن و مرد و قدرت‌دادن به زنان، توسعه محقق می‌شود. همچنین، برنامه‌ها وقتی نتیجه بخش هستند که اعتدال رعایت شود. این در حالی است که وضعیت حضور زنان در جایگاه‌های مدیریتی، هنوز نامتعادل است و در زمینه دسترسی زنان به پست‌های مدیریتی، پیشرفتی دیده نمی‌شود. بنابراین در خصوص دیدگاه‌های مشارکت سیاسی زنان در حکمرانی خوب، دیدگاه اول معتقد است زن چه ربطی به سیاست و مدیریت دارد و باید محدود به خانواده باشد. این دیدگاه برگرفته از دیدگاه طالبانیسم است؛ درحالی که وقتی مبانی اعتقادی را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم در جاهایی که قرآن به مسئولیت‌های انسانی اشاره می‌کند، تفاوتی بین مرد و زن قائل نیست.

دیدگاه دوم معتقد است قانون انتخابات ایران تبعیضی بین زن و مرد قائل نشده و می‌گوید زنان باید از نقطه‌ای در مدیریت‌های میانی شروع کنند تا به مدیریت کلان برسند، اما ساختاری برای این مسئله پیش‌بینی نمی‌کند و می‌گوید این اتفاق باید به‌خودی‌خود رخ دهد.

دیدگاه سوم ضمن پذیرش حضور زنان در سیاست، پذیرفته که مشارکت سیاسی زنان امری نیست که خودبه‌خود اتفاق بیفتد و توسعه بدون حضور زنان ممکن نیست. این دیدگاه، استراتژی جریان‌سازی فرصت‌های برابر تهیه کرده مثل سهمیه‌بندی یا احزاب که از ظرفیت خود برای افزایش مشارکت سیاسی زنان استفاده کنند. ما باید از تجربه موفق کشورهای دیگر برای ترمیم شکاف جنسیتی و افزایش مشارکت سیاسی زنان استفاده کنیم (ابنشتاین؛ فالگمان، ۱۳۶۶).

گسترش ارتباطات، افزایش سطح تحصیلات و آگاهی عمومی طی سالیان اخیر، وضعیت زنان ایرانی را از نظر قابلیت و توانایی کنشگری در عرصه‌های مختلف حیات جمعی ارتقا داده است. انقلاب اسلامی که یکی از اهداف خود را روی احیای جایگاه واقعی و انسانی زنان در جامعه متمرکز کرده بود، اگرچه توانست طی سال‌های گذشته زمینه بهبود موقعیت علمی و اجتماعی زنان را فراهم کند، ولی زنان تا کسب جایگاه شایسته و درخور به ویژه در عرصه کنشگری سیاسی راهی طولانی و دشوار در پیش دارند. عمده مسایل زنان در این راه را می‌توان ناهمخوانی وضعیت و جایگاه سیاسی زنان در جامعه امروز ایران و نگاه سنتی و تاریخی به زنان در ایران دانست (وقایع الاتفاقیه، بهمن ۱۳۹۷).

حضور زنان در عرصه‌های سیاسی برای تعدیل فضای سیاسی - اجتماعی کشور لازم و ضروری است زیرا به سالم‌سازی، روان‌سازی فرایندها و کاهش هزینه‌های اداره امور منجر خواهد شد. با ورود زنان به عرصه‌های مختلف، نوع دوستی و سلامت اجتماعی افزایش یافته و شاخص‌های توسعه ارتقا می‌یابد. دستیابی به توسعه بدون بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های ویژه زنان در همه عرصه‌های جامعه از جمله عرصه‌های سیاسی امکان‌پذیر نیست.

۹. جریان سازی مشارکت زنان در حکمرانی خوب

زنان عموماً به واسطه آن‌ه یا در شکل گرفتن جنگ‌ها نقشی نداشته و یا در جنگ‌ها مشارکت فعال نداشته‌اند، صلح‌دوست و صلح‌طلب‌تر از مردان محسوب می‌شوند و صلح‌دوستی آن‌ها در مقابل جهت‌گیری جنگ‌طلبانه مردان قرار دارد. جنگ «موضوعی مردانه» است و زنان بسته به این‌که در کدام سوی مناقشات نظامی باشند دو وضعیت برای آن‌ها متصور است: یا مورد حمایت مردان یا مورد تهاجم مردان. با چنین پیش‌زمینه‌ای زنان معمولاً به‌عنوان صاحبان اصلی صلح تلقی می‌شوند که این تصور از نقش مادری زنان نشأت گرفته است (قاسمی، یعقوبی، عبدالعلی و دیگران، ۱۳۹۸: ۵۷۳-۶۰۱)

گفته می‌شود زنان در هر وضعیت سیاسی احتمالاً به صلح بیش از جنگ تمایل دارند و بیش‌تر در فعالیت‌ها و جنبش‌های صلح مشارکت می‌کنند. حداقل تمایل کم‌تری به جنگ داشته‌اند. تاریخچه مشارکت زنان در فعالیت‌های صلح‌طلبانه نشان می‌دهد که آن‌ها از قرن نوزدهم در انجمن‌های صلح طلب در کشورهای مختلف فعال بوده‌اند. بخش عمده‌ای از انجمن‌های صلح طلب زنانه در واکنش به جنگ ویتنام و در مخالفت با تولید و صادرات تسلیحات هسته‌ای شکل گرفتند (کرمانی؛ باسزا، ۱۳۸۸: ۱۳۰-۱۰۹).

برخی گروه‌های صلح طلب زنان که ارتباطی با احزاب کمونیست داشتند - در آلمان و آمریکا - قربانی هراس‌های جنگ سرد و غیرقانونی اعلام شدند. با وجود مشارکت زنان در فعالیت‌های صلح طلبانه برخی تحقیقات نشان می‌دهند که تفاوت معناداری در دیدگاه‌های صلح طلبانه میان زنان و مردان وجود ندارد و این فمینیست‌ها هستند که به‌طور خاص صلح طلب‌ترند. از گیدنز نقل شده که: درست است که در طول تاریخ «برخی» از مردان به شرکت فعالانه در جنگ می‌بادرت کرده‌اند و رابطه ای نیز میان جنگ، قدرت نظامی و مردانگی وجود دارد اما اکثر مردان در طول تاریخ وارد جنگ نشده‌اند و در مقابل برخی از زنان جنگجو بوده‌اند. البته مطالعاتی هم هستند که تفاوت نگرش زنان و مردان نسبت به جنگ و صلح را نشان می‌دهند.

مثلاً در سال ۱۹۹۳ مطالعه تفاوت نگرش زنان و مردان سوئدی نسبت به مسائل سیاست خارجی و دفاعی، از تفاوت‌های جنسیتی قابل توجه در دیدگاه‌های آنان خبر داد. زنان نسبت به مردان به ادامه کمک‌های خارجی، اجازه ورود به پناهندگان و کاهش هزینه‌های دفاعی نگاه مثبت‌تری داشتند و نسبت به دخالت در اقدامات جنگجویانه و صادرات سلاح، نگاه منفی‌تری داشتند. (امینی شاد؛ منوریان؛ امیری، ۱۳۹۸: ۲۲-۱۸). از آن‌جا که کار ویژه اصلی حکمرانی خوب (به نظر نگارنده) سیستمی برای ایجاد ثبات و صلح است همواره سعی بر این باید باشد تا در راستای دستیابی به عدالت سیاسی - عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی حرکت شود. مهم‌ترین ارکان صلح بر اساس دیدگاه موسسه اقتصاد و صلح در جهت دستیابی به اهداف عبارتند از:

- حکمرانی خوب - عدالت سیاسی
- توزیع برابر منابع - عدالت اقتصادی و اجتماعی
- جریان آزاد اطلاعات - آزادی - عدالت سیاسی
- روابط خوب با همسایگان - امنیت - عدالت سیاسی
- سطح بالای سرمایه انسانی - امنیت و عدالت انسانی
- محیط کسب و کار سالم - رقابت سالم و امنیت اقتصادی - عدالت اقتصادی
- پذیرش و احترام به حقوق دیگران - برابری و عدالت جنسیتی
- سطح پایین فساد - پاسخگویی و شفافیت - عدالت سیاسی و اقتصادی

سیاست و مقوله‌های مرتبط با آن هم‌چون دولت همواره پدیده‌ای مرد سالارانه بوده است که همواره گرد مفاهیم عمده‌ای از جمله «قدرت، جنگ، انقلاب و صلح» شکل گرفته که کنشگر اصلی آن دولت‌ها بوده‌اند. اما پس از جنگ جهانی دوم و با مستولی شدن و تفوق نگرش جهانی شدن در عرصه سیاست و فرهنگ به‌خصوص از دهه ۱۹۸۰ به بعد و پدید آمدن جهانی شدن سرمایه‌داری، گسترش نهادهای مدیریتی میان کشوری هم‌چون اتحادیه‌های منطقه‌ای و تحرک شدید افراد و انسان‌ها به خصوص به واسطه پیشرفت‌های فناورانه در سراسر کره زمین سبب شده‌اند تا توانایی و نقش دولت‌ها به‌عنوان نهاد دارای حاکمیت سرزمینی کاهش یافته و نقش نیروهای اجتماعی پررنگ‌تر گردد. البته استدلال در اینجا این نیست که ملت-دولت در حال ناپدید شدن و از بین رفتن است، بلکه نقش این کنشگر مدرن در حال تغییر، گذار و دگرگونی است (زارعیان و راسخ، ۱۳۹۸: ۶۸۷-۷۰۸).

یکی از مباحثی که در این راستا مطرح شده است، نگرش «توسعه پایدار»^۱ در سال ۱۹۸۰ از سوی اتحادیه جهانی محیط زیست و تأکید بر مشارکت همه جانبه اقشار، طبقات و گروه‌های سنی و جنسی به حاشیه رانده شده از جمله زنان به‌عنوان اهرم اساسی تولید می‌باشد تا ظرفیت‌ها و توانایی‌های بالقوه جامعه دوچندان گردد. در واقع با طرح مسأله توسعه پایدار، انسان مشارکت‌جو در مرکز فرایند توسعه و دستیابی به صلح محسوب شده و توسعه درون‌زا و البته تغییر ساختار قدرت در این جهت یعنی فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای مشارکت این نیروها در دستور کار قرار گرفت، زیرا آینده توسعه یافته یک جامعه در گرو مسئولیت‌پذیری مردمان آن جامعه و گروه‌های مختلف آن از جمله زنان، و جوانان است. بر همین اساس هدف پنجم توسعه پایدار بر «دستیابی به برابری جنسیتی و توانمندسازی تمامی زنان و دختران جامعه» و هدف ۱۶ توسعه پایدار بر «ارتقاء عدالت، جوامع صلح طلب» و اهداف ۱۷ و ۱۸ بر «افزایش و ارتقاء حمایت‌های ظرفیتی توسط سیستم‌ها در

^۱. Sustainable Development

کشورهای در حال توسعه» تأکید دارند. لذا جهت دستیابی به این مهم، دولت‌ها به‌طور مشخص باید در سطح ملی به اعطای حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی آن‌ها بپردازند.

حقوق مدنی: آزادی فردی، آزادی بیان و اندیشه و دین، حق دخل و تصرف در اموال خود و عقد قراردادهای قانونی و حقوق قضایی.

حقوق سیاسی: حقوق انتخاب و مشارکت در هیئت‌هایی برخوردار از قدرت سیاسی.

حقوق اجتماعی: حق رفاه و امنیت اقتصادی تا حق سهم‌بری کامل از میراث اجتماعی و حق برخورداری از زندگی منطبق با معیارهای رایج در جامعه. (قاسمی، یعقوبی، عبدالعلی و دیگران، ۱۳۹۸: ۵۷۳-۶۰۱)

دیگر وظیفه دولت‌ها فراهم نمودن زمینه‌های آموزش استاندارد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. پژوهش‌های موجود حاکی از این است که برابری زنان با مردان بیش‌تر جنبه حقوقی دارد تا واقعی. اساساً زنان با طبع مادرانه، مهرآمیز و مهربان و رأفت‌گونه با سیاست به مفهوم قدرت و خشونت الفتی ندارند. راه حل چیست؟ آیا راه حل تغییرخصلت زنان یا حذف زنان از حضور و فعالیت در عرصه‌های مختلف عمومی مانند سیاست است؟ و یا اینکه این نقش به حوزه‌های خاصی مانند حوزه‌های آموزشی و اجتماعی محدود شود؟ یا راه حل تغییر ساخت قدرت و مالکیت یا به عبارت بهتر تغییر نگرش به آن‌ها است؟ به طور کلی دو گرایش عمده در جنبش‌های زنان وجود داشته است: گرایش لیبرالی؛ که هدف آن افزایش مشارکت زنان در درون نظام سیاسی مستقر و از طریق اصلاح ساختارها است و اساس فلسفی این دیدگاه آن است که همه انسان‌ها از خرد بهره‌مندند و خرد ضامن آزادی فردی است؛ لذا سلب آزادی از فرد به معنی نفی خردمندی اوست و نفی توان خردورزی انسان به معنای نفی آزادی اوست.

گرایش سوسیالیستی این نظریه وجود دو نظام مردسالاری و سرمایه‌داری، و تأثیر هر دو را بر نابرابری جنسیتی می‌پذیرد. اما معتقدند مردسالاری مقوله‌ای فراتاریخی است، در جامعه‌های سرمایه‌داری، مردسالاری شکل مشخصی به خود می‌گیرد و این دو نظام به نوعی ترکیب می‌شوند. آنان اعتقاد دارند جنس، طبقه، نژاد، سن و ملیت افراد همگی می‌توانند از عوامل ستم بر زنان باشند اما هیچ‌کدام از این عامل‌ها از دیگری اساسی‌تر نیست. شکل مشخص فرودستی زنان در جامعه‌های سرمایه‌داری مختص این نظام اقتصادی-اجتماعی است و فقدان آزادی زنان به دلیل کنترلی است که در حوزه‌های عمومی و خصوصی بر آنان وجود دارد. رهایی زنان در گرو از بین رفتن تقسیم کار جنسی در همه حوزه‌ها می‌دانند. هم‌چنین معتقد به پایان دادن شکلی از روابط اجتماعی هستند که مردم را به کارگر/سرمایه‌دار و زن/مرد تقسیم می‌کند. به بیان ساده تغییر در نظام سیاسی-اقتصادی موجود شرط رهایی زنان و مشارکت آنان خواهد بود (پاملا و کلر، ۱۳۸۵: ۳۰۰-۲۹۷).

زنان در جهان هرگاه در پست‌ها و موضع سیاست‌ورزی قرار گرفته‌اند به گواه آثار و مدارک غیر قابل انکاری توانسته‌اند در شرح وظایف خود موفق عمل کنند البته باید به دو نکته اشاره شود این گفته نسبی است بدین معنی که در خصوص مردان و سایر زنانی که عرصه و میدانی برای آن‌ها مهیا نشده است نیز می‌تواند صادق باشد و این که سیاست‌ورزی دو بار معنایی دارد یکی این است که سیاست‌مدار در حرفه و مشاغل خویش امور سیاسی را به بهترین وجه انجام می‌دهد و معنا دیگر که عام‌تر است بیان می‌کند هر فرد می‌تواند در هر کاری آن‌را به بهترین شیوه انجام دهد که با کم‌ترین هزینه بیش‌ترین سود حاصل شود یعنی با عقلانیت جامع امور مدیریت شوند. از عوامل موفقیت زنان در امور محوله تلاش برای ارتقاء درآمد و استقلال مالی، روحیه کارآفرینی، فرهنگ همکاری، جدیت، تجربه‌های تبعیض جنسیتی در کار و روابط اجتماعی گسترده را می‌توان اشاره کرد (رستمعلی‌زاده و علی‌جمعه‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۷۲-۱۴۷).

بین عوامل موفقیت و مؤلفه‌های حکمرانی خوب هماهنگی قابل توجهی قابل مشاهده است. گاهی باور عمومی و فکر غالب اجتماع بر روی قضاوت در خصوص مدیریت افراد تأثیرگذار است، به طور مثال شرایط فرهنگی حاکم بر جامعه علایقی را در سطح جامعه به نمایش می‌گذارد که مانع از ارزش‌گذاری واقعی فعالیت مدیران زن در جامعه می‌شود. باور غلط به برتر بودن جنس مذکر نسبت به مونث از جهت قدرت مدیریتی، گرایش به مردسالاری در انتصاب مدیران، باور به این که زنان در موضع تصمیم‌گیری محتاطانه‌تر عمل می‌کنند، باور به عاطفی‌تر و احساسی‌تر بودن از باورهایی است که در این زمینه تأثیر می‌گذارند. برخلاف این باورها و در کنار رفتار مساوی مدیریتی با مردان، برخی تحقیقات نشان داده است که زنان مدیر در شرایط مساوی بر مبنای غلبه جنسیتی خود و در حالتی که اهرم و فشار خارجی یا داخلی به نفع یک جنس وجود ندارد، در قدرت بخشیدن و تشویق کارکنان و تیم‌ها بهتر از آقایان عمل می‌کنند و در واکنش نشان دادن به درخواست‌های کمک، بهتر و سریع‌تر عمل می‌کنند همچنین رفتار زنان صداقت‌پیش‌تری را در کار حکم فرما می‌کند و در عین حال بیش‌تر از مردان با کارکنان ارتباط برقرار می‌کنند و نسبت به مردان، قدرت بیش‌تری در پذیرش تفاوت‌های افراد دارند و در تشخیص مشکلات بسیار سریع‌تر و صحیح‌تر از آقایان عمل می‌کنند و زنان در تشخیص انتظارهای شغلی و تهیه بازخوردهای با ارزش و تشویق‌کننده بسیار بهتر از آقایان هستند (توسلی و جلالوند، ۱۳۹۴). از عوامل محدودکننده زنان در ایران که قبلاً اشاره گردید نقش نگاه سنتی و تاریخی به زنان در ایران اهمیت خاصی دارد که می‌طلبد به آن توجه بیش‌تری داشت.

۱۰. نگاه سنتی و تاریخی به زنان در ایران

نگاهی که به‌طور تاریخی موجب عقب‌نگه داشتن زنان در جامعه شده و آنان را در مسیر و فرایند ارتقا به پست‌های عالی رتبه در کشور عقب‌نگه داشته است. در بزنگاه‌های تاریخی، موانع

این‌چنینی قابل ردیابی است. با این‌که زنان در دوره انقلاب مشروطه همراه مردان در مبارزات شرکت کردند، ولی در قانون مشروطه زنان در کنار محجوران و مجرمان قرار گرفته و از مشارکت سیاسی محروم شدند. پس از آن با ورود آموزش مدرن به کشور، بسیاری از علمای برجسته حضور زنان در کلاس‌های درس و مراکز آموزشی مدرن را حرام اعلام کردند. این مسأله فاصله تاریخی مضاعفی را برای زنان ایجاد کرد و به بیسوادی زنان دامن زد. این روند با شدتی کمتر در سال‌های پس از انقلاب اسلامی هم ادامه یافت. با این‌که زنان در مبارزات انقلاب شانه به شانه مردان مشارکت کردند و در دوره جنگ هم از اندوخته‌های مادی و معنوی خود در راستای منافع ملی هزینه کردند، ولی اکثر قوانینی که بعد از انقلاب مصوب شد، محدودکننده حقوق مدنی و سیاسی زنان بود.

برای کاهش فاصله بسیار زیاد تاریخی و ایجاد تعادل، لازم است برای زنان فرصت بیش‌تر در نظر گرفته شود و برای این مهم بسترسازی صورت گیرد. البته به این نکته هم باید اشاره کرد که خانم‌ها براساس عوامل متعددی که وجود دارد خیلی تمایلی به شرکت در صحنه‌های سیاسی ندارند. تمایل ذاتی اکثریت خانم‌ها مشارکت در امور اجتماعی است تا سیاسی. خانم‌هایی هم که امروز در مجلس حضور دارند بیش‌تر دغدغه‌های اجتماعی دارند تا امور سیاسی. پس بین سیاست‌ورزی خانم‌ها با آقایان تفاوت وجود دارد و خانم‌ها کم‌تر سیاست‌ورز هستند و عموم خانم‌ها بیش‌تر در مجامع محلی تمایل به ورود دارند تا مجامع ملی. باید مشخص شود فردی که سیاست‌ورزی می‌کند و فردی که سیاست‌بازی می‌کند چه تفاوتی با هم دارند. سیاست، کار درست انجام دادن جهت خدمات‌دهی به مردم است اما مسأله این است که برخی این مسأله را با نگاه جنسیتی می‌نگرند.

سیاست یک سری روش‌های درست برای اجرایی شدن اقداماتی است که در جهت رشد و توسعه و خدمات به مردم باید انجام شود و اگر این شرایط وجود داشته باشد دیگر فرقی نمی‌کند که یک سیاست‌گذار مرد باشد یا زن. مصوبه اتحادیه بین‌المجالس مبنی بر ملزم کردن احزاب به اختصاص سهمیه ۳۰ درصدی به بانوان، ناظر بر همین ضرورت است که تعهد به آن توانسته تعداد زنان نماینده در افغانستان و عراق را افزایش دهد. شورای عالی اصلاح طلبان از سال ۱۳۹۴ راهبرد ۳۰ درصدی را مدنظر قرار داد و ۳۰ درصد لیست‌های انتخاباتی مجلس دهم و شورای شهر پنجم را به خانم‌ها اختصاص داد. این راهبرد موجب شد بسیاری از رقابت‌ها تبدیل به رفاقت و پشتیبانی شود و فرصت مهمی را پیش روی بانوان بگذارد.

مسأله مهم این است که باید مراقب باشیم مانند تجربه‌های تاریخی پیشین، این موفقیت‌ها و دستاوردها در فرایندها حذف نشود. یکی دیگر از دلایل عمده این است که احزاب سیاسی، زنان را در لایه‌های اولیه تصمیم‌گیری راه نمی‌دهند. احزاب هنوز از زنان به اندازه مردان حمایت نمی‌کنند. مسئله بعد، به عوامل اجتماعی و فرهنگی برمی‌گردد. درک رایج این است که زنان بهتر است به مسئولیت‌های سنتی خود بپردازند. از سوی دیگر، داوطلبان زن با این دیدگاه مواجه می‌شوند که کار

نمایندگی بسیار سخت است و این کار فقط از عهده یک مرد ساخته است. هم‌چنین، زنان به دلیل حاکمیت جامعه مردسالار، به خودباوری نرسیده‌اند.

رسانه‌ها نیز بیش‌تر به دنبال اخبار داوطلبان و نمایندگان مرد هستند. مانع دیگری که در مقابل مشارکت برابر زنان قرار دارد عوامل اقتصادی است. زنان با مسئولیت خانواده و کار اجتماعی مواجه هستند. سیاست هم یک کار تمام وقت است و امکان دارد این تصور ایجاد شود که یک زن ممکن است از پس مسئولیت‌های چندگانه برنیاید درحالی که این مسایل برای مردان هم وجود دارد. مسئله دیگر این است که مبارزات انتخاباتی نیاز به سرمایه کلانی دارند و زنان عموماً از این سرمایه بی بهره هستند. به خاطر گسترش شبکه‌های ارتباطی، امروز حرکت اجتماعی خزنده و آرامی در سطح و کف جامعه در حال گسترش است که قدرت و حضور زنان را به رسمیت می‌شناسد. مهم این است که از این ظرفیت برای بسترسازی ورود زنان به ساختار قدرت استفاده شود (توسلی و جلالوند، ۱۳۹۴).

اما چالش بزرگ برای عملیاتی شدن ایده حضور زنان در فرایند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در کشور این است که به‌رغم برخورداری زنان از جایگاه ویژه به عنوان مادران در حیات اجتماعی و فرهنگی جامعه، متأسفانه قادر به تأثیر گذاری بر سیاست‌گذاری‌های عمومی نیستند. بررسی مطالعات سایر کشورها نیز مؤید این امر است که این مشکل تنها مختص جامعه ما نیست و مضمون نشست‌های یونسکو هم بر این حقیقت تأکید دارد که بدون مشارکت کامل و برابر زنان و مردان، فرهنگ صلح و صلح در بستر جهان شکل نمی‌گیرد، و مهم‌ترین چالش فرا روی رسیدن زنان به منابع قدرت، عدم فضای دموکراتیک در کشورها می‌باشد (توسلی و جلالوند، ۱۳۹۴). لذا زنان ایران نیز به رغم دستاوردهای خود، هم‌چنان در حاشیه سطوح قدرت سیاسی و فرایند تصمیم‌گیری قرار دارند اما احتیاجات استراتژیک و تجربه زیست جهان اجتماعی نشان داده مشارکت عادلانه زنان در تمامی عرصه‌های اجتماعی و سیاسی ضامن پیشبرد دموکراسی و صلح است و مشارکت زنان هم به ایجاد تفاوت اساسی در گفتمان سیاست و هم تفاوت استراتژیکی در سیاست‌گذاری و اجرا منجر خواهد شد. نتایج جدیدترین بررسی‌های یونسکو نیز بیانگر این امر است که زنان هم در حیطه روش کار و هم برنامه‌های سیاسی، صلح اندیش تر از مردان به نظر می‌رسند.

۱۱. نتیجه گیری

اقدامات جمعی و ایجاد سازوکارهایی چون تشکیل شورای سیاست‌گذاری زنان اصلاح‌طلب می‌تواند با ایجاد الگویی از هم‌گرایی و تقویت گفتمان میان زنان سیاست‌ورز و پایبندی به آن، وزن و توان بانوان برای کنشگری سیاسی را افزایش دهد. در مجموع حضور زنان به سالم‌سازی، روان‌سازی فرایندها و کاهش هزینه‌های اداره امور منجر خواهد شد. با ورود زنان به عرصه‌های مختلف،

نوع دوستی و سلامت اجتماعی افزایش یافته و شاخص‌های توسعه ارتقا می‌یابد. دستیابی به توسعه بدون بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های ویژه زنان در همه عرصه‌های جامعه از جمله عرصه‌های سیاسی امکان‌پذیر نیست.

چالش حضور زنان در سیاست و مدیریت برگرفته از پیشینه تاریخی و فرهنگی است و نمی‌توان انتظار داشت این مسئله با دستورالعمل و نسخه پرستاب حل شود. در قدم اول باید ببینیم امروز واقعیت و جایگاه زنان ایران چیست تا به یک شناخت نسبی از این جایگاه دست پیدا کنیم. گزارش مجمع جهانی اقتصاد از جایگاه زنان ایران نشان می‌دهد که شاخص مشارکت سیاسی زنان در این سال‌ها سیر نزولی داشته است. در این گزارش رتبه ایران از بین ۱۴۵ کشور جهان ۱۴۱ است و در شاخص مشارکت سیاسی رتبه ایران ۱۳۷ است. ما در شاخص آموزش و سلامت و بهداشت رشد داشتیم، اما در مقایسه با کشورهای دیگر عقب ماندیم که بیان‌گر شکاف جنسیتی رو به افزایش در کشور ماست.

هم‌چنین بر اساس گزارش مشترک اتحادیه بین پارلمانی و کمیته زنان سازمان ملل در سال ۲۰۱۷، ایران (با احتساب شمار ۱۷ نماینده در مجلس) از نظر تصدی زنان در پارلمان در میان ۱۹۳ کشور دنیا، در رتبه صد و هفتاد و هفتم قرار دارد. در این گزارش، از نظر حضور زنان در دستگاه اجرایی هم رتبه صد و سی نهم به کشورمان تعلق گرفته است.

امروز زنان به رغم تلاش‌های ۴۰ ساله و افزایش توانمندی‌ها، سهم بسیار اندکی از سطوح مدیریت کلان کشور را در اختیار دارند. این گروه توانمند عملاً از ورود به بسیاری از حوزه‌های سیاسی و قضایی محروم شده‌اند. نهادهای کلان قدرت از جمله شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، خبرگان رهبری، ریاست جمهوری و ... در انحصار مردان است. بخشی از ساختار قدرت در مقابل ورود زنان به سطوح خردتر عرصه سیاست‌ورزی هم از خود مقاومت نشان می‌دهد. در نتیجه این محذورات، امروز زنان تنها ۵٫۹ درصد از کرسی‌های مجلس را در اختیار دارند. بر این مبنای تبعیض جنسیتی در عرصه سیاسی در کشورمان بسیار گسترده ارزیابی می‌شود. اما در خصوص اقداماتی که باید برای افزایش مشارکت سیاسی و سیاست‌ورزی زنان انجام شود، باید گفت که برنامه ششم توسعه باید به نحو مشخص به وضعیت زنان بپردازد و شاخص‌های سلامت، آموزش، توانمندسازی اقتصادی زنان و تأمین اجتماعی در این برنامه در نظر گرفته شوند. هم‌چنین، باید بخش حقوقی خاصی برای زنان پیش‌بینی شود. مسئله دیگر، ضرورت برطرف کردن خلأ پژوهش است. از سوی دیگر، نقیصه‌های آماری جهت ارزیابی وضعیت موجود وجود دارد که باید برطرف شود.

موضوع بعدی، ضرورت دسترسی عادلانه به منابع و فرصت‌هاست. پیگیری تغییر ساعت کار زنان در ادارات، تخصیص اعتبار لازم برای اجرای قانون افزایش مرخصی زایمان، منع تبعیض جنسیتی در استخدام دستگاه‌های دولتی، اجماع نظر در خصوص مسایل زنان و ایجاد بانک جامع

اطلاعاتی زنان نخبه و مدیر، از دیگر اقداماتی است که باید انجام شود. میان ویژگی‌های اختصاصی مدیریتی زنان و مؤلفه‌های حکمرانی خوب ارتباط مستقیم برقرار است به طوری که توانایی آنان را در بکارگیری از این مؤلفه‌ها افزایش می‌دهد. نمونه بارز و جدید این مدعا موفقیت در مقابله با بیماری کرونا در کشورهایی است که زنان در رأس هرم سیاست‌ورزی آن قرار دارند.



منابع

- پاملا، آبت؛ والاس، کلر (۱۳۹۱). *تولید دانش فمینیستی جامعه شناسی زنان*. ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- ابنشتاین، ویلیام؛ فاگلمان، ادوین (۱۳۶۶). *مکاتب سیاسی معاصر (نقد و بررسی کمون بیس م، فاش بیس م، کاپیتالیسم و سوسیالیسم)*، ترجمه حسینعلی نوذری. تهران: گستره.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۸). *آموزش دانش سیاسی: مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی*. تهران: موسسه نگاه معاصر، ۱۳۸۲.
- دوورژه، موریس (۱۳۶۹). *اصول علم سیاست*. ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: امیر کبیر.
- عاشوری نیا، نقی (۱۳۸۵). *الفبای سیاست و سیاست‌ورزی*. تهران: کیهان.
- عالم، عبدالرحمان (۱۳۸۱). *بنیادهای علم سیاست*. تهران: نشر نی.
- عبدالحمید، ابوالحمد (۱۳۸۰). *مبانی علم سیاست*. تهران: انتشارات توس.
- فن در، گابلنس (۱۳۵۱). *مدخلی بر علم سیاست*. ترجمه هرمز انصاری، تهران: انتشارات فرهنگ و هنر.
- قائم‌مقام فراهانی، عبدالحمید (۱۳۷۸). *سازمان‌های بین‌المللی*. تهران: دادگستر.
- کارلتون کلایمر، رودی؛ توتون جیمز، آندرسن؛ کارل کویمی، کریستول (۱۳۵۱). *آشنایی با علم سیاست*. ترجمه بهرام ملکوتی، تهران: امیر کبیر.
- کالین، های (۱۳۸۵). *درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی*. ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.
- مختاری، علی اکبر (۱۳۹۸). *شفافیت باید جامع و کامل باشد: گزارشی از وضعیت حکمرانی خوب*. تهران: مردم سالاری دینی.
- ملک زاده (۱۳۹۵). «امامان معصوم چگونه سیاست ورزی می کردند؟»؛ وب سایت خبرگزاری مهر. تاریخ دسترسی ۱۴۰۰/۵/۱۲.
- مونتسرات، گیرنا (۱۳۷۸). *مکاتب ناسیونالیسم؛ ناسیونالیسم و دولت - ملت در قرن بیستم*. ترجمه امیرمسعود اجتهادی، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
- پالمر، موتی؛ اشترن، لاری؛ گایل، چارلز (۱۳۶۷). *نگرشی جدید به علم سیاست*. ترجمه منوچهر شجاعی، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- میدری، احمد؛ خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳). *حکمرانی خوب: بنیان توسعه*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر بررسی‌های اقتصادی.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۸). *حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز*. تهران: نشر دادگستر.
- میرشکاری، جواد (۱۳۹۷). *فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان: دفتر دوازدهم*. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- انصاری، محمد مهدی (۱۳۹۱). *بررسی نقش نخبگان سیاسی در تدوین مدل مطلوب سیاست ورزی در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: پژوهشنامه انقلاب اسلامی.
- امینی شاد، علی؛ منوریان، عباس؛ امیری، مجتبی (پاییز ۱۳۹۸). «طراحی الگوی حکمرانی خوب در شهرداری تهران»؛ *فصلنامه آینده پژوهی مدیریت*، شماره ۱۱۸.

توسلی، افسانه؛ جالوند، انسیه (۱۳۹۴). «تفاوت سبک مدیریت زنان و مردان، ضرورت حضور زنان در عرصه های مدیریتی». دومین همایش ملی حاکمیت شرکتی. تهران: دانشگاه الزهرا (س).

حکاک، محمد؛ وحدتی، حجت؛ نظریوری، هوشنگ؛ اکبری، زهرا (زمستان ۱۳۹۸). «طراحی الگوی حکمرانی خوب در سازمان‌های چندسطحی بر اساس مدل سه شاخگی». مجله مطالعات مدیریت راهبردی، شماره ۴۰.

حکمتی، فرید؛ محمدزاده، یوسف؛ حسین زاده، افسانه (بهار ۱۳۹۹). «بررسی اثر حکمرانی خوب بر سلامت زنان در کشورهای با درآمد متوسط به بالا با رویکرد گشتاورهای تعمیم یافته». زن و جامعه، سال یازدهم، شماره ۱.

رستمعلی زاده، ولی الله؛ علی جمعه زاده، پروین (۱۳۹۵). «بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت زنان کارآفرین». فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۱۲ شماره ۳

زارعیان، حسین؛ راسخ، نازنین (زمستان ۱۳۹۸). «اعتباریابی و هنجاریابی پرسشنامه حکمرانی خوب در وزارت ورزش و جوانان ایران». مجله مدیریت ورزشی، شماره ۴۷

زرقانی، سید هادی؛ احمدی، ابراهیم (پاییز ۱۳۹۸). «حکمرانی خوب در دولت‌های محلی: تمرکززدایی». مجله دولت پژوهی، شماره ۱۹.

شمشیری، نسرین؛ همیتیان، هادی؛ زرگر، سید محمد؛ فائزی رازی، فرشاد (زمستان ۱۳۹۸). «ارائه الگو برای بهبود معیشت بازنشستگان نیروهای مسلح با تاکید بر حکمرانی خوب». مدیریت منابع در نیروی انتظامی، شماره ۲۸.

قاسمی، محمد؛ یعقوبی، نورمحمد؛ کشته‌گر، عبدالعلی؛ حسینی، سید عبدالرسول (زمستان ۱۳۹۸). «بررسی رابطه بین حکمرانی خوب و ناهنجاری اجتماعی با توجه به نقش میانجی نشاط اجتماعی». مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره ششم، شماره ۴.

قلی پور سوته، رحمت اله؛ منوریان، عباس؛ الهیاری دوین، ملیحه (زمستان ۱۳۹۸). «طراحی مدل دولت الکترونیک در چارچوب اخلاقی حکمرانی خوب». اخلاق در علوم و فناوری، سال چهاردهم، شماره ۴ (ویژه‌نامه).

کرمانی، مجید؛ باسزا، مهدی (بهار ۱۳۸۸). «نقش حکمرانی خوب در بهبود کارکرد هزینه‌های دولت: مطالعه موردی بخش بهداشت و آموزش کشورهای اسلامی». فصلنامه تحقیقات اقتصادی.

میدری، احمد (پاییز ۱۳۸۵). «مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب». مجله رفاه اجتماعی.

نصیر ناتری، جعفر؛ شکیبایی، زهره؛ سلیمانپور، جواد؛ کاظم پور، اسماعیل؛ خلخالی، علی (بهار ۱۳۹۹). «مفهوم‌سازی حکمرانی خوب در آموزش و پرورش عمومی ایران با رویکرد پدیدارشناسی». مجله رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، شماره ۴۱.

نفری، ندا؛ دباغ، سروش (پاییز و زمستان ۱۳۸۸). «تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب». فصلنامه مدیریت دولتی.

مولائی، سوران؛ ایراندوست، منصور؛ احمدیان، جمیله؛ بهمنی، کامیار (زمستان ۱۳۹۸). «ارتباط رهبری اخلاقی با حکمرانی خوب در سازمان‌های دولتی». مجله اخلاق در علوم و فناوری، سال چهاردهم، شماره ۴.

Research Article

The impact of women on the field of politics in the Islamic Republic of Iran according to the model of good governance

Reza Parizad¹ and Seyyed Mohammad Hassan Danesh²

Date of received: 2021/12/06

Date of Accept: 2021/12/16

Abstract

In this study, in order to investigate the impact of women on politics in the Islamic Republic of Iran according to the model of good governance, first by defining politics and an overview of all the characteristics of good governance but emphasizing the five main components desired by the author and reviewing the research Previous and current theories and new and a little earlier and the identification of some key factors affecting women's policy and its obstacles will be analyzed and solutions to increase or improve it will be provided. In this research, first the descriptive-analytical method is used to review the available information and then the comparative method of each of the components of good governance in politics will be analyzed and the research result will be finalized in a general comparison to how and to what extent. Extract the influence of women in the field of politics.

Keywords: *Politics, Politician, Good Governance, Women, Women and Empowerment, Participation, Accountability, Adherence to the Law.*

Citation (APA 6th ed. / APSA)

Parizad, Reza; Danesh, Seyyed Mohammad Hassan(2022). "The impact of women on the field of politics in the Islamic Republic of Iran according to the model of good governance". Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media. Vol. 4, Num. 4, S.No. 16, pp. 129 - 158.

¹. Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran.

Email: r_parizad@yahoo.com

². PhD Student in Political Sociology, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran.

Email: smhassan.danesh@gmail.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

References

- Abbott Pamela, Claire Wallace (1391). *Production of Feminist Knowledge of Women's Sociology*, Manizheh Najmaraghi, Tehran: Ney Publishing.
- The Sessions of William, The Editors of Edwin (1366). *The school is a modern political school (criticizing and examining communism, fascism, capitalism and socialism)*, translating it. Tehran: Gastro.
- The Gospel of Hussein (1398). *Teaching Political Science: Fundamentals of the Science of Theoretical and Introductory Politics*, Tehran: Contemporary Nation Institute, 2003.
- Hosseini, Parvaneh: *Women's Empowerment in Reconstruction*: London. Morris-Dorjeh (1369). *The Principles of Political Science*, translated by Abu al-Fadl al-Qadha, Tehran: Amir al-Kabir. (in Persian)
- Ashuri Nia Naghi (1385). *Alphabet of Politics and Politics*, Qom, Kayhan. (in Persian)
- Alem Abdolrahaman (1381). *Political Science Foundations*, Tehran: Ney Publishing. (in Persian)
- Abdolhamid Aboalhamd (1380). *Fundamentals of Political Science*, Tehran: Toos Publications. (in Persian)
- Founder Gabon (1351). *An Intervention in the Science of Politics*, translated by Hormoz Ansari, Tehran: Farhang va Honar Publications.
- Abdolmajid Faraani (1378). *International Organizations*, Tehran: Judiciary. (in Persian)
- Carlton's Colemer Rudy, Tobacco's Andersen, Carlo's Caribbean (1351). *Familiarity with the science of politics*, translated by Bahram Malakooti, Tehran: Amir Kabir.
- Kalineh, Hay (1385). *A Critical Introduction to Political Analysis*, translated by Ahmad Golmohammadi, Tehran: Ney Publishing.
- Mokhtari, Ali Akbar (1398). *Transparency must be comprehensive and complete (report on the state of good governance)*, Tehran, religious democracy. (in Persian)
- Malekzadeh (1395). *How did the infallible Imams do politics?* Mehr News Agency Website. (in Persian)
- Montserrat, Change (1378). *School of Nationalism: Nationalism and the State - The nation has been in power for centuries*, translated by Emirati Maj.
- Monetie Palmer, Larry Ashtern, Charles Gail (1367). *A serious view of the science of politics*, translated by Manouchehr Shojaei, Tehran: Ministry of Foreign Affairs, book information on science and biology.
- Maidari, Ahmad; Jafar Khairkahan (1383). *Good governance: the foundation of development*; Tehran: Research Center of the Islamic Consultative Assembly, Office of Economic Studies. (in Persian)
- Naqibzadeh, Ahmad (1378). *Political party and its function in today's societies*, Tehran: Justice Publishing. (in Persian)
- Mirshakari, Javad (1397). *The twelfth book of the dictionary of approved words of the academy*. Tehran: Academy of Persian Language and Literature Publications. (in Persian)

- Ansari, Mohammad Mehdi (1391). *Investigating the role of political elites in developing a favorable model of politics in the Islamic Republic of Iran*, Tehran: *Journal of the Islamic Revolution*. (in Persian)
- Amini Shad, Ali; Abbas Manvarian and Mojtaba Amiri (Autumn 1398). "Designing a good governance model in Tehran Municipality"; *Management Futures Research Quarterly*, No. 118. (in Persian)
- Tavassoli, Afsaneh; Ansiyeh Jalalvand (1394). "The difference between men's and women's management styles, the necessity of women's presence in management fields." *The Second National Conference on Corporate Governance*. Tehran: Al-Zahra University. (in Persian)
- Hakak, Mohammad; Hojjat Vahdati, Houshang Nazarpour, and Zahra Akbari (Winter 1398). "Designing a good governance model in multilevel organizations based on the three-pronged model"; *Journal: Strategic Management Studies*, No. 40. (in Persian)
- Hekmati Farid, Yousef Mohammadzadeh and Afsaneh Hosseinzadeh (Spring 1399). "Study of the effect of good governance on women's health in middle- and upper-income countries with the generalized torque approach"; *Women and Society*, Eleventh Year, No. 1. (in Persian)
- Rostamalizadeh Valiullah, Parvin Ali Jomehzadeh (2015). "Study of Factors Affecting the Success of Women Entrepreneurs", *Social Development Quarterly*, Volume 12, Number 3. (in Persian)
- Zareian, Hossein; Nazanin Rasekh (Winter 1398). "Validation and standardization of the Good Governance Questionnaire in the Ministry of Sports and Youth of Iran"; *Journal: Sports Management*, No. 47. (in Persian)
- Zarghani, Seyed Hadi; Ebrahim Ahmadi (Autumn 1398). "Good Governance in Local Governments: Decentralization"; *Journal of Government Studies*, No. 19. (in Persian)
- Shamshiri, Nasrin; Hadi Hemtian, Seyed Mohammad Zargar and Farshad Faezi Razi (Winter 1398). "Providing a model for improving the livelihood of armed forces retirees with an emphasis on good governance"; *Resource Management in Law Enforcement*, No. 28. (in Persian)
- Qasemi, Mohammad; Noor Mohammad Yaghoubi, Abdolali Keshtegar and Seyed Abdolrasoul Hosseini (Winter 1398). "Study of the relationship between good governance and social anomaly with respect to the mediating role of social vitality"; *Social Capital Management*, Volume 6, Number 4. (in Persian)
- Qoli Poursoteh, Rahmatullah; Abbas Manvarian and Maliha Alhayari Duvini (Winter 1398). "Designing an e-Government Model in the Ethical Framework of Good Governance"; *Ethics in Science and Technology*, Fourteenth Year, No. 4 (Special Issue). (in Persian)
- Kermani, Majid; Mehdi Baskha (Spring 2009). "The Role of Good Governance in Improving the Functioning of Government Expenditures: A Case Study of the Health and Education Sector of Islamic Countries"; *Quarterly Journal of Economic Research*. (in Persian)

- Midri, Ahmad (Fall 2006). "Introduction to the Theory of Good Governance", *Journal of Social Welfare*. (in Persian)
- Nasir Natri Jafar; Zohreh Shakibaei, Javad Soleimanpour, Ismail Kazempour and Ali Khalkhali (Spring 1399). "Conceptualization of good governance in Iranian public education with a phenomenological approach". *Journal: A New Approach in Educational Management*, No. 41. (in Persian)
- Neda, Soroush Dabbagh (Fall and Winter 2009). "Explaining the Concept of Good in Good Governance", *Quarterly Journal of Public Management*. (in Persian)
- Molaei, Soran; Mansour Irandoost, Jamileh Ahmadian and Kamyar Bahmani (Winter 1398). "The relationship between ethical leadership and good governance in government organizations; *Journal: "Ethics in Science and Technology"*, Fourteenth Year - No. 4. (in Persian)





شورۀ مجله گاه علم و مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علوم انسانی